فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوازدهم، شماره اول (پیاپی ۴۳)، بهار ۱۴۰۲
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
مقاله پژوهشی صفحات ۱۳۰-۱۱۵ DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5

تحلیل عوامل تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی از نظر مهاجران افغانستانی (مطالعه موردی: شهرستان ورامین)

زهرا ترکاشوند*؛ استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
امیر حیدریان؛ دانش آموخته دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
حسنعلی فرجی‌سبکبار؛ استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

چکیده

مهاجرت پدیده‌ای است که اثرات مهمی در زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی از خود به جای می‌گذارد. اثرات متقابل عوامل اقتصادی و پدیده مهاجرت دارای جایگاه ویژه‌ای است. برای توسعه کارآفرینی، ایجاد زمینه مناسب برای به کارگیری مهاجرین و شکل‌گیری بوم‌زیست مناسب کارآفرینی روستایی از ابزارهای موثر در کشورهای توسعه یافته می‌باشد. در همین چارچوب تعداد بسیاری از مهاجران افغانستانی که در روستاهای ایران ساکن شده‌اند و در گذر زمان به عنوان نیروی فعال در ساختار اشتغال روستایی قرار گرفته‌اند. بر این پایه پژوهش حاضر به بررسی عوامل موثر بر تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی از نظر مهاجران افغانستانی می‌پردازد. پژوهش حاضر از نظر هدف توصیفی- تحلیلی و به لحاظ ماهیت کاربردی است. برای گردآوری داده‌ها از روش برداشت میدانی (پرسشنامه) بهره گرفته شده است. تعداد نمونه آماری ۳۷۴ نمونه از بین مهاجران مقیم در محدوده مورد مطالعه است که برای بررسی تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی از نگاه مهاجران افغانستانی از چهار بعد اقتصادی-مالی، فرهنگی-اجتماعی، شخصیتی- فردی و سیاسی-اداری مورد پرسش قرار گرفته‌اند. به منظور تحلیل و پیش‌بینی اثر شاخص‌ها از آزمون رگرسیون استفاده شد؛ مهمترین عوامل تاثیرگذار به ترتیب شامل شاخص‌های سخت کوشی، دسترسی، خلاقیت، اجتماعی، مشارکت و تجربیات هستند، که مربوط به بعد شخصیتی- فردی و فرهنگی-اجتماعی هستند و مهمترین موانع شامل ابعاد اقتصادی-مالی و فرهنگی-اجتماعی است که به ترتیب شامل شاخص‌های حامی و پشتیبانی مالی، سرمایه‌گذاری، مشاغل و قوانین و فرهنگی هستند. افزایش تشخیص فرصت‌های کارآفرینی در ابعاد اقتصادی-مالی و فرهنگی-اجتماعی شامل ، تامین سرمایه‌های لازم در قالب ارائه تسهیلات، افزایش مشارکت در فعالیت‌های خلاقانه، افزایش سطح سواد شغلی، آشنایی با قوانین کسب‌وکار، استفاده از خدمات مشاوره‌ای و بهره‌گیری از تجربیات کارآفرینان شاخص، راهکارهای پیشنهادی این پژوهش است.

واژگان کلیدی: فرصت‌های کارآفرینی، کارآفرینی مهاجران روستایی، مهاجران افغانستانی، شهرستان ورامین.

* ztorkashvand@ut.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]

۱) مقدمه

مهاجرت که اکنون مورد توجه بسیاری از رشته‌های علمی می‌باشد در یک تعریف کلی به معنی تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت بین دو واحد جغرافیایی است. از این رو، مهاجرت نوعی رفتار آگاهانه است که براساس انگیزه‌هایی همچون ادامه تحصیل، جستجوی کار، بهره‌مندی از رفاه، گریز از جنگ و غیره صورت می‌گیرد(کشاورز قاسمی و نادرپور، ۱۳۹۷). پدیدهٔ مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه به ویژه ایران، یکی از اشکال مهاجرت بین‌المللی است که در دهه‌های اخیر روند صعودی داشته است(UNHCR, 2003: 23). بر این اساس که سرمایهٔ انسانی از مهمترین عوامل توسعه کشورها می‌باشد، توسعه اقتصادی و پیشرفت فناوری هم تا حد زیادی تحت تاثیر سرمایه انسانی قرار دارد. لذا کشورها برای نیل به توسعه نیازمند توجه ویژه‌ای به امر مهاجرت هستند. توسعه بدون تمرکز بر منابع و سرمایه انسانی امکان‌پذیر نیست. از این رو، یکی از مهمترین تصمیم‌های اقتصادی کشورها، مهاجرت بین‌المللی افراد(ماهر و غیرماهر) است(سیفی و خالقی‌نژاد، ۱۳۹۵).

بخش بزرگی از جمعیت کشورهای در حال توسعه در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و کسب‌وکارهای مادر در اختیار آن‌هاست. لازمه زندگی در دنیای امروز، بهره‌گیری از تمام منابع موجود است. به این ترتیب، بهره‌برداری از همه امکانات تولیدی در مناطق روستایی به منزله دستابی به توسعه پایدار است(رضوانی، ۱۳۸۳). در دهه‌های گذشته، کشورهای در حال توسعه در زمینه برنامه‌های توسعه روستایی با مشکلات متعددی روبه‌رو شده‌اند، این امر بدلیل عدم موفقیت برنامه‌های توسعه در گذشته است، چراکه آن‌ها در ارتباط با فقر، اشتغال، و سایر مشکلات روستائیان موفق عمل نکرده‌اند. این مسئله موجب گردیده است که رویکرد کارآفرینی در سال‌های اخیر جهت توسعه روستایی و حل مشکلات روستائیان مورد توجه قرار گیرد(Chowdhury, 2007: 240). در عصر حاضر، از کارآفرینی به عنوان مهمترین عامل فعالیت و توسعه یاد می‌شود. در صورت غفلت از فرهنگ کارآفرینی، دستیابی به شاخص‌های توسعه امکان‌پدیر نیست. در گذار از مرحله سنتی به صنعتی، باید به توانمندی‌ها و قابلیت‌های فردی کارآفرینان در بهره‌برداری از منابع طبیعی و تکنولوژی توجه ویژه‌ای داشته باشیم، چرا که آن‌ها با بهره‌مندی از الگوهای نو در بازار، آماده بهره‌برداری مناسب از کالاها و خدمات می‌شوند(ویسی و کریم‌زاده، ۱۳۹۰). در میان سه مقوله کارآفرینی، رشد اقتصادی و کاهش فقر یک رابطه علی برقرار است. کمترین میزان بهره‌مندی در زمینه توسعه مربوط به نواحی روستایی است. شرایط محیطی و انسانی حاکم بر روستاها به گونه‌ای است که آنان را در انزوا قرار داده و باعث شده از فعالیت‌های مربوط به توسعه بهره کمتری ببرند. بارزترین نمود این مسئله بیکاری است که موجب مهاجرت روستائیان به شهرها می‌شود(مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۰). رویکردهای جدید توسعه، تاکید ویژه‌ای بر همکاری بین گروه‌های ذی‌نفع در فرآیند تدوین و تصمیم برنامه‌های توسعه‌ای دارند؛ بنابراین الگوهای مختلف مشارکت در ابعاد گوناگون توسعه مطرح شده است(ترکاشوند، ۱۳۹۲).

کارآفرینی به عنوان یک وسیله برای نوآوری، تغییر نیروی اصلی توسعه اقتصادی و تولید رشد در نظر گرفته شده است(Maia, 2002). با گسترش این ایده در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، مقوله کارآفرینی به عنوان یکی از الزامات توسعه روستایی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است(حسینی¬نیا و فلاحی، ۱۳۹۶). امروزه کارآفرینی روستایی در اکثر کشورها به عنوان راهکاری جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها مطرح است. برهمین اساس صاحب نظران و نهادهای توسعه کارآفرینی روستایی را به عنوان مدخل راهبردی برای ارتقای توسعه روستایی و تسریع در روند آن می‌دانند(Saxena, 2012). شهرستان ورامین در استان تهران واقع شده است و در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]

سال‌های گذشته به سبب ایجاد مشاغل متنوع در بخش کشاورزی و خدمات به یکی از نقاط مهاجرپذیر برای مهاجران افغانستانی تبدیل شده است. با توجه به مهاجرت‌های صورت گرفته و حضور بلندمدت مهاجران در ایران، پژوهش حاضر به بررسی فرصت‌های کارآفرینی روستایی از نگاه مهاجران افغانستانی پرداخته است.

۲) مبانی نظری

کارآفرینی شامل همه فعالیت‌ها و اقدامات مرتبط با درک و فهم فرصت‌ها و تاسیس سازمانی برای بهره‌برداری از این فرصت‌ها است. بنابراین تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌ها موضوع اصلی دانش کارآفرینی است. می توان چنین گفت که فرآیند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه‌ای منحصر به‌فرد از منابع، به منظور بهره‌برداری از فرصت‌هاست(سعیدی‌کیا، ۱۳۸۳). در فرهنگ لغت آکسفورد فرصت به عنوان "زمان، نقطه عطف یا شرایطی که برای هدف یا نتیجه اثرگذار یا مطلوب است" تعریف می‌شود. در واقع، تشخیص فرصت به عنوان توانایی شناخت یک ایده خوب و انتقال آن به کسب‌وکار به گونه‌ای که ارزش افزوده و درآمد تولید کند، تعریف شده است(ذوالفقاری و زمانی‌مزده، ۱۳۹۴).

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی "Entreprendre" به معنای متعهد شدن گرفته شده است(مقیمی و احمدپور-داریانی، ۱۳۸۷). کارآفرینی فرآیند تولید یک محصول با ارزش، با پذیرش ریسک‌های مالی و اجتماعی برای به دست آوردن منافع مالی می‌باشد(اکبری، ۱۳۸۵: ۷۹). به عبارت دیگر، کارآفرینی به عنوان یک وسیله برای نوآوری، تغییر نیروی اصلی توسعه اقتصادی و تولید رشد در نظر گرفته شده است(Maia, 2002). تقویت نوآوری‌ها، موفقیت در تولید و خلق ارزش از ابزارهای پیشرفت اقتصادی کشورها و بخصوص کشورهای جنوب به حساب می‌آید؛ چراکه فعالیت‌های کارآفرینی با اثربخشی بالا منجر به توسعه اقتصادی در زمینه‌های ایجاد اشتغال، نوآوری در فعالیت‌ها، رقابت‌پذیری و غیره می‌شود(Otto, 2009: 25-38). در همین چارچوب امروزه صاحب نظران توسعه روستایی معتقدند که برای تحقق توانمندسازی جامعه روستایی در جهت خلق ارزش و تولید قابل ارائه، تصمیم گیری و مدیریت روستایی بایستی در درون جامعه محلی صورت گیرد و عوامل بیرونی نقش تسهیل‌گر را ایفا کنند(Najarzadeh and Rezvani, 2009). کارآفرینی روستایی در اکثر کشورها به عنوان راهکاری جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها مطرح است. بر همین اساس صاحب نظران و نهادهای توسعه، کارآفرینی روستایی را به عنوان مدخل راهبردی برای توسعه روستایی و تسریع در روند آن می‌دانند(Saxena, 2012).

کارآفرین کسی است که با کشف و آگاهی از فرصت‌های محیطی و منابع بتواند در شرایط پرابهام و با ریسک بالا به ابتکارات و نوآوری‌ها و ایجاد کسب‌وکار جدید دست پیدا کند(طباطبایی، ۱۳۸۲). بنابراین با توجه به منابع مختلف کارآفرین روستایی فرد یا افرادی هستند که با استفاده از منابع انسانی و طبیعی روستا، بتوانند خلق ارزش نموده و خدمات قابل فروش به جامعه یا صنعت را داشته باشند. فرصت عبارت است از شانس تامین نیازی از بازار با ترکیب خلاق منابع برای ایجاد ارزش بیشتر(Kirzner,1982; Casson, 2007). به عبارت دیگر، فرصت هرگونه ایده‌ای است که اجرای آن امکان‌پذیر باشد(Gartner et al., 2003). فرآیندی که براساس آن افراد به توانایی خود جهت خلق محصولی جدید همراه با ارزش اقتصادی پی می‌برند، تشخیص فرصت نامیده می‌شود(ذوالفقاری و زمانی مزده، ۱۳۹۴). توسعه کارآفرینی یک پدیده تصادفی نیست بلکه به فاکتوره‌ای اقتصاد، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی وابسته است. عوامل موثر در تشخیص فرصت‌های کارآفرینی شامل نقش دولت، ترویج فرهنگ کارآفرینی، توسعه زیرساخت‌ها و آموزش کارآفرینی است(پناهی، ۱۳۸۵؛ آبتین، ۱۳۹۰: ۷۵-۵۵؛ شاهد و فتحی‌نیا، ۱۳۹۵).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]

فرصت کارآفرینی شامل ایده‌های جدیدی است که می‌توانند منجر به دستیابی به دست آوردها و نتایج اقتصادی شوند(Shane & Venkataraman, 2000).

در واقع، کارآفرینی به مثابه یک پدیدهٔ مهم اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. برخی صاحب نظران شرایط اقتصادی را موجب کارآفرینی دانسته و معتقدند که کارآفرینی نیروی اصلی توسعهٔ اقتصادی محسوب می‌شود و نوآوری، رشد و تولید خدمات را به همراه دارد(Lordkipanidze et.al, 2005: 787). در همین چارچوب زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر گسترش کارآفرینی به خصوص در نواحی روستایی عبارت‌اند از: ایجاد محیط و زمینه‌های پیش از کارآفرینی؛ ایجاد زمینه خودباوری؛ و سرعت بخشیدن به رشد از طریق تحرک بخشی(Alison, 1990: 80). مهمترین عاملی که بر کارآفرینی تأثیر می‌گذارد، محیط و فضای کارآفرینی است(Kline and Suzanne, 2007). در برنامه‌های توسعه، تلاش می‌شود زیرساخت‌های لازم برای توسعه و کارآفرینی فراهم شود(Torkashvand, 2019). علیرغم چالش‌های موجود، نواحی روستایی مزایای متعددی برای تأسیس انواع کسب‌وکارها فراهم می‌کنند. مزیت‌های مذکور عبارتند از مزایای زیرساختی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، ارزان بودن زمین و فرهنگ و سنن محلی(کریمی، ۱۳۹۳). از دیدگاه آلیسون، یک فعالیت کارآفرینی تحت تأثیر عوامل گوناگونی مانند انگیزه‌های فردی، آموزش، فرهنگ و آداب و رسوم، قوانین، سیاست‌ها و دانش فنی است که می‌تواند آثار و نتایج مختلفی را به لحاظ الگوهای رفتاری، اقتصادی، اجتماعی و ... در بر داشته باشد(Alison, 1990: 166). کارآفرینی به لحاظ اجتماعی، منافع و آثار مثبتی در جامعه روستایی دارد و به نوعی نشان‌دهنده توسعه اجتماعی-اقتصادی جامعه است. رابطه مستقیمی میان مشارکت در فعالیت‌های کارآفرینی و توسعه وجود دارد، بدین سان که با افزایش میزان مشارکت، توسعه در ابعاد مختلف جامعه نیز سریعتر اتفاق می‌افتد(به‌کیش،۱۳۸۰: ۲۴۱-۲۴۸). به طور کلی آموزش در کارآفرینی می‌تواند به کسب دانش مربوطه، کسب مهارت در استفاده از فنون تحلیل فرصت‌های اقتصادی و ترکیب برنامه‌های عملیاتی، شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت‌های کارآفرینانه منجر شود(ترکاشوند، ۱۳۹۷).

مهاجرت یکی از راه‌هایی است که افراد برای رهایی از مشکلات محل زندگی خود و رسیدن به رفاه از آن استفاده می‌کنند و طی آن تغییرات عمده‌ای در نگرش‌ها، آداب و رسوم، فرهنگ و شبکه‌های اجتماعی افراد ایجاد می‌شود(جمشیدی‌ها و عنبری، ۱۳۸۸ :۴۸). همچنین این پدیده پیامدها و آثار زیادی به دنبال خود دارد، خصوصا مهاجرت‌هایی که به شکل بین‌المللی صورت می‌پذیرند. پدیدهٔ مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه به ویژه ایران، یکی از اشکال مهاجرت بین‌المللی است که در دهه‌های اخیر روند صعودی داشته است(UNHCR, 2003: 23). سیر مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران گرچه به قرن نوزدهم برمی‌گردد ولی در دهه ۱۹۷۰ میلادی اولین مهاجران برای کار در صنعت نفت و گاز وارد ایران شدند. بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۱ میلادی، مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران با انگیزه مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از جنگ داخلی، ناامنی، خشونت گسترده، بیکاری و تورم شکل گرفت(حاتمی، ۱۳۹۹). ابعاد اقتصادی مهاجرت همان طور که نحوه زندگی مهاجران را تغییر می‌دهد، الگوهای اشتغال و فعالیت آنان را نیز دگرگون می‌کند(زنجانی، ۱۳۹۳). مهمترین سوالی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که" آیا مهاجرت می‌تواند موجب توسعه شود؟"(Nyberg-Sorensen, 2002). مهاجرت می‌تواند اضافه جمعیت را از نقطه‌ای به خارج و همچنین نیروی کار را به سرزمین های نیازمند منتقل کند و با ایجاد و تقویت روحیه تولید، رقابت و بهبود وضع موجود را امکانپذیر سازد(کشاورز قاسمی و نادرپور، ۱۳۹۷). در حوزه اقتصاد با توجه به حضور اتباع افغانستان در ایران و نیاز آن‌ها برای کسب‌وکار و درآمد این بخش بیشتر از سایر حوزه‌ها مورد توجه ساختار سیاسی و امنیتی است. از سویی تحقیقات انجام شده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]

در خصوص تاثیر مهاجران بر اقتصاد در کشورهای در حال توسعه، حاکی از تاثیر مثبت مهاجرت بر اقتصاد کشور میزبان می‌باشد. مهاجران افغانستانی به جهت ویژگی‌های روحی و بدنی و نیز شرایط زندگی در ایران، ضمن آنکه افراد بسیار سخت‌کوشی هستند، دستمزد کمتری نیز طلب می‌کنند(حاتمی، ۱۳۹۹). مهاجران افغانستانی کمتر از ۴ درصد از کل جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، ولی حدود ۶ درصد از نیروی کار کشور هستند. زیرا اکثر افغانستانی‌ها در سنین پایین وارد بازار کار می‌شوند. بنابراین نرخ مشارکت در میان مهاجران افغانستانی بالا است. با بهره‌گیری از این نیروی کار می‌توان فعالیت‌های تولیدی و تعاونی‌های روستایی را رونق بخشید. جدول(۱) شامل برخی از تحقیقات انجام شده در زمینه فرصت‌های کارآفرینی روستایی است.

جدول ۱. مطالعات انجام شده در زمینه پیشینه تحقیق

محقق	نتایج تحقیق
Shane &Venkataraman (2000)	عوامل موثر در کشف فرصت‌ها را داشتن اطلاعات قبلی برای شناسایی فرصت‌ها و ویژگی‌های شناختی برای شناسایی ارزش آن‌ها می‌داند.
Goetz and Freshwater(2001)	جهت ارزیابی اثرات فضای کارآفرینی، به آنالیز متغیرهای نوآوری، سرمایه انسانی و ملی پرداختند.
Dellabarca(2002)	عوامل موثر بر تشخیص فرصت را به دو دسته عوامل تحت کنترل(شبکه اجتماعی، تجربه و دانش) و عوامل غیرقابل کنترل(اقتصادی، اجتماعی) تقسیم نمود.
Howard(2004)	یک رابطه مستقیم میان خصوصیات استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، اعتماد به نفس و توانایی کارآفرینی افراد برقرار است.
کریمی موغاری(۱۳۸۳)	با بررسی تاثیر مهاجرین افغانستانی بر سطح دستمزد و اشتغال نشان داد که آن‌ها به شهرهای پر رونقی همچون تهران روی می‌آورند که تقاضا جهت نیروی کار بالاست.
نجفی کانی و همکاران(۱۳۹۴)	دسترسی به آموزش، مشاوره، تجربیات، دانش و مهارت مهمترین شاخص‌ها جهت دستیابی به توسعه کارآفرینی روستایی هستند.
علوی زاده و میرلطفی(۱۳۹۲)	در میان عوامل موثر بر کارآفرینی، تاثیرگذارترین متغیر عامل اقتصادی است.
حسینی‌نیا و فلاحی(۱۳۹۶)	عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی شامل عوامل فردی، فرهنگی، اجتماعی، زیرساختی، طبیعی و بوم‌شناختی، قانونی، آموزشی، نهادی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد.

۳) روش تحقیق

این پژوهش براساس هدف کاربردی و توسعه‌ای و به لحاظ روش توصیفی- تحلیلی و از نوع پیمایشی می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها از روش‌های اسنادی و میدانی استفاده شده است. در روش کتابخانه‌ای و اسنادی، پژوهش‌های علمی مرتبط با موضوع تحقیق، مورد مطالعه قرار گرفت و بوسیله آن‌ها مبانی نظری تحقیق استخراج شده است. برای دستیابی به داده‌های اولیه در ارتباط با عوامل موثر بر تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی از نظر مهاجران از روش میدانی(پرسشنامه) بهره گرفته شد. به این منظور مقیاس سنجش تشخیص فرصت کارآفرینی روستایی در سطح ترتیبی و با استفاده از طیف ۵ سطحی لیکرت بوده است. برای نمونه گیری از مهاجران افغانستانی روستایی محدوده مورد مطالعه از فرمول کوکران استفاده شده است که براساس آن حجم نمونه برابر با ۳۷۴ نفر می‌باشد.

با توجه به ماهیت پژوهش به منظور تحلیل داده‌ها و ارائه آمارهای توصیفی، تحلیل‌های استنباطی و تحلیل-های مکانی از نرم‌افزارهای SPSS وArcGIS استفاده گردید. جهت توصیف داده‌ها از آماره‌های فراوانی، درصد،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]

میانگین و انحراف معیار بهره گرفته شد. برای تحلیل داده‌ها از آمار استنباطی استفاده شد و به منظور تعیین وضعیت نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف- اسمیرنف و سپس بر اساس وضعیت نرمالیته، برای تعیین وجود رابطه بین متغیرهای پژوهش از آزمونt تک نمونه استفاده گردید.

برای ارزیابی تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی از نگاه مهاجران افغانستانی شهرستان ورامین از چهار بعد اقتصادی-مالی، فرهنگی-اجتماعی، شخصیتی-فردی و سیاسی-اداری استفاده شد. هر یک از این ابعاد نیز از طریق چند شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که در جدول(۲) شرح داده شده است.

جدول ۲. ابعاد و شاخص‌ها و گویه‌های تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی

ابعاد تشخیص فرصت‌های کارآفرینی	شاخص‌ها	گویه‌ها
اقتصادی-مالی	مالی	برخورداری از سرمایه، توانایی مالی، رضایت از درآمد، ثبات شغلی، حمایت مالی خانواده، رضایت از مسکن و رضایت از محیط کسب‌وکار
	حامی و پشتیبانی مالی	حمایت مالی سازمان‌های دولتی، اعطای وام تجاری، برخورداری از تسهیلات، آگاهی از بازار، حمایت دولت، خدمات پشتیبانی و اعطای یارانه
	سرمایه‌گذاری	ترغیب سرمایه‌گذاران محلی، دسترسی به سرمایه، امکان سرمایه-گذاری محلی، همکاری بخش خصوصی و همکاری بخش‌های دولتی
	مشاغل و قوانین	آشنایی با قوانین تجارت، شناخت شرایط، دسترسی به عوامل تولید، تنوع شغلی، سرمایه‌گذاری در واحدهای تولیدی و دسترسی به ماشین آلات مدرن
فرهنگی-اجتماعی	اجتماعی	احساس تعلق به مکان، همکاری با سازمان‌های غیردولتی، شبکه-های اجتماعی، انگیزه و نگرش
	مشارکت	فعالیت‌های خلاقانه، تمایل به مشارکت، ایده‌های جدید و فروش محصولات
	فرهنگی	ارتقا کارآفرینی، سطح سواد شغلی، ارتباط با سازمان‌ها، احترام به قوانین و مشارکت زنان
	آموزشی	کلاس‌های آموزشی، مهارت‌آموزی، سطوح تحصیلی، ارتقاء دانش و تقویت فرهنگی
	مشاوره	مشاوره‌های فنی، ایجاد مراکز ارتقاء کارآفرینی و خدمات مشاورهای
	تجربیات	تجربیات افراد موفق، جلسه با کارآفرینان، استفاده از نخبگان، رسانه‌ها و بازدید از شرکت‌های موفق
	دسترسی	محیط مناسب، زیرساخت‌ها، حمل‌ونقل، بازارهای محلی، بانک‌ها و تجارت الکترونیک
شخصیتی-فردی	خلاقیت و نوآوری	اصول مدرن کشاورزی، نوسازی ابزارهای تولید، متنوع سازی، خلاقیت، ارائه محصولات و بهره‌گیری از فرصت‌ها
	ریسک‌پذیری	کسب نتایج مناسب، کسب سود، احتمال شکست، سرمایه‌گذاری

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]

		بزرگ و راه‌اندازی کسب‌وکار
	آینده‌نگری	بررسی تغییرات، محدودیت‌ها و پشتکار
	سخت‌کوشی	موفقیت، ایجاد تغییرات، موانع و استقبال از نظرات
سیاسی-اداری		سیاست‌های حمایتی، امنیت، حمایت‌های دولتی، طرح‌های حمایتی و بیمه دولتی

شهرستان ورامین بلحاظ موقعیت جغرافیایی در طول ۵۱ درجه، ۴۰ دقیقه شرقی و عرض ۳۵ درجه و ۲۸ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه شمالی قرار دارد. مساحت شهرستان ورامین ۱۷۷۵ کیلومتر است، براین اساس حدود ۱۰ درصد از مساحت استان تهران را در برمی‌گیرد. براساس تقسیم‌بندی‌های سیاسی-اداری شهرستان ورامین شامل بخش‌های ورامین، پیشوا، جوادیه و قرچک است، همچنین دارای ۸ دهستان، ۴ شهر و ۲۱۶ آبادی می‌باشد. شهرستان ورامین یکی از قطب‌های صنعتی و کشاورزی استان تهران است(معاونت برنامه‌ریزی و استانداری تهران، ۱:۱۳۹۰). براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیت شهرستان ورامین ۲۸۳۷۴۲ نفر می‌باشد. که از این تعداد ۲۳۰۴۷۲ نفر در شهرها، ۵۳۲۵۵ نفر در روستا ساکن هستند. در شهرستان ورامین ۴۸۱۹۲ نفر مهاجر افغانستانی وجود دارد که از این تعداد ۳۴۰۶۲ نفر در شهرها و ۱۴۱۳۰ نفر نیز در روستاهای شهرستان ورامین ساکن می‌باشند.

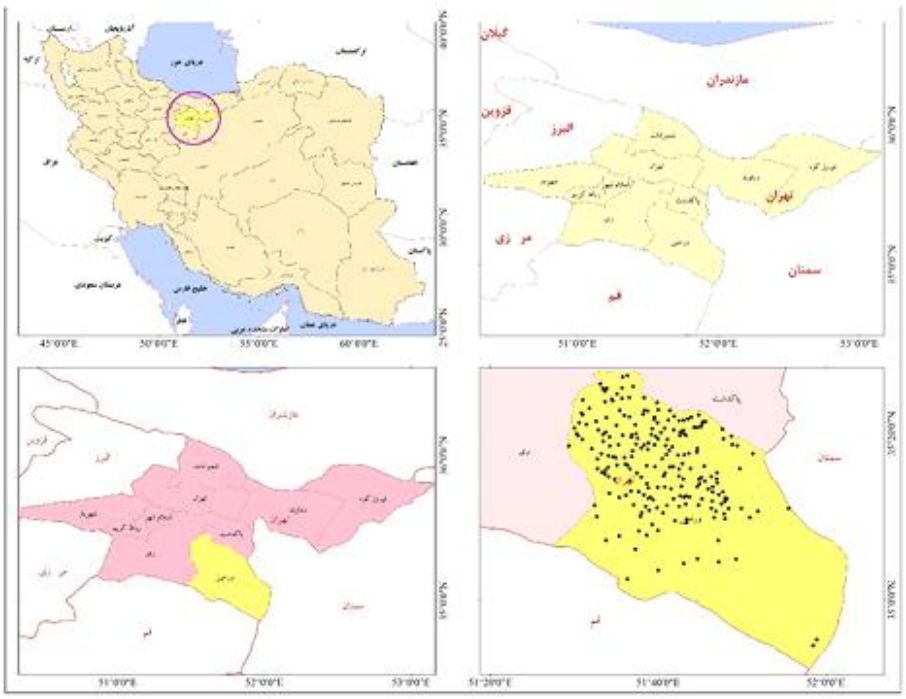

شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی شهرستان ورامین

۴) یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر شامل دو بخش توصیفی و استنباطی است. در بخش توصیفی ویژگی‌های افراد مورد پژوهش از طریق شاخص‌های مرکزی و پراکندگی بیان شده است که تصویری کلی از وضعیت موجود مهاجران

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]

افغانستانی ارائه می‌دهد و در بخش استنباطی تشخیص فرصت کارآفرینی روستایی از طریق آزمون t نمونه‌های مستقل و همچنین آزمون رگرسیون مورد ارزیابی قرار گرفته است.

در این تحقیق تعداد ۳۷۴ نفر از مهاجران افغانستانی با استفاده از پرسشنامه مورد پرسش و پاسخ قرار گرفتند. گروه سنی کمتر از ۳۰ سال ۵۱,۶۰ درصد از مهاجران را به خود اختصاص داده است. توزیع جنسیتی آن‌ها نشان می‌دهد که ۸۸,۵۰ درصد مهاجران مرد هستند. بلحاظ توزیع جنسیتی ۸۸,۵۰ درصد از آن‌ها را مردان تشکیل می‌دهد. همچنین ۴۷,۵۹ درصد از مهاجران مجرد هستند. خانواده‌های ۴ تا ۶ نفره با ۵۸,۲۹ درصد بیشترین فراوانی بعد خانوار را در بر می‌گیرد. تحصیلات ابتدایی با ۵۴,۵۵ درصد نیز بیشترین فراوانی تحصیلات در بین مهاجران را به خود اختصاص داده است. در زمینه اشتغال فعالیت‌های کشاورزی با ۳۷,۹۷ درصد فعالیت غالب مهاجران را نشان می‌دهد. در زمینه رضایت شغلی گروه متوسط با ۴۲,۲۵ درصد بیشترین فراوانی را دارد. در بین مهاجران تن‌ها ۶,۱۵ درصد دارای سابقه فعالیت کارآفرینی می‌باشند و بیشترین زمینه فعالیت آن‌ها در بخش کشاورزی با ۷۸,۲۶ درصد بوده است.

برای ارزیابی تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی مهاجران افغانستانی شهرستان ورامین از چهار بعد اقتصادی-مالی، فرهنگی-اجتماعی، شخصیتی-فردی و سیاسی-اداری استفاده شد. براساس یافته‌های پژوهش نتایج بلحاظ تاثیرگذاری هر یک از عوامل بدین شرح است: در بعد اقتصادی-مالی بیشترین میانگین مربوط به شاخص مالی(۲,۰۸) و کمترین میانگین مربوط به شاخص حامی و پشتیبانی مالی(۱,۶۳)، در بعد فرهنگی-اجتماعی بیشترین میانگین مربوط به شاخص دسترسی(۳,۲۶) و کمترین میانگین مربوط به شاخص مشاوره(۲,۰۳)، در بعد شخصیتی-فردی بیشترین میانگین مربوط به شاخص سخت کوشی(۴,۰۳) و کمترین میانگین مربوط به شاخص آینده نگری(۲,۸۷) و در بعد سیاسی-اداری میانگین ۲,۰۹ است.

به منظور بهره‌گیری از آزمون‌های مناسب جهت آنالیز یافته‌ها، در مرحله نخست به بررسی داده‌ها از نظر نرمال یا غیرنرمال بودن آن‌ها از طریق آزمون کولموگروف اسمیرنف پرداخته شد. نتایج حاصله در جدول(۳) بیانگر آن است که آزمون مذکور در همه موارد بیشتر از ۰,۰۵ درصد معنادار نبوده و بدین ترتیب توزیع نرمال است؛ بنابراین استفاده از آزمون‌های پارامتریک در آنالیزها امکان‌پذیر می‌باشد

جدول ۳. آزمون کولموگروف ـ اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن مولفه‌های پژوهش

آماره	اقتصادی-مالی	فرهنگی-اجتماعی	شخصیتی-فردی	اداری-سیاسی
کولموگروف اسمیرنوف Z	۰,۷۵۸	۰,۶۹۷	۰,۶۳۷	**۰,۶۲۷**
Sig	۰۱۲۷	۰,۳۴۷	۰,۲۵۷	**۰,۱۸۹**

جهت مقایسه شرایط موجود مولفه‌های تشخیص فرصت‌های کارآفرینی از آزمون t تک نمونه، با حد معیار متوسط(مساوی ۳ بر اساس طیف لیکرت) استفاده شد. نتایج آزمون حاکی از آن است که شاخص‌های مالی، حامی و پشتیان مالی، سرمایه‌گذاری، مشاغل و قوانین، اجتماعی، مشارکت، فرهنگی، آموزشی، مشاوره، تجربیات، ریسک‌پذیری،آینده‌نگری و اداری-سیاسی کمتر از حد متوسط(۳) و شاخص‌های سخت کوشی، دسترسی و خلاقیت بالاتر از حد متوسط می‌باشند.

به منظور تحلیل و پیش‌بینی اثر شاخص‌های تشخیص فرصت کارآفرینی روستایی مهاجران افغانستانی در شهرستان ورامین و مشخص نمودن مولفه‌های که بیشترین تاثیرگذاری را دارند، از آزمون رگرسیون به روش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]

Enter استفاده شد. ابعاد اقتصادی-مالی، فرهنگی-اجتماعی، شخصیتی-فردی و سیاسی-اداری(متغیر مستقل) تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی از نگاه مهاجران افغانستانی(متغیر وابسته) است. نتایج آزمون مذکور در جدول(۴) ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج رگرسیون مولفه‌های تشخیص فرصت کارآفرینی روستایی

R ضریب همبستگی	R2 ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد
۰۹۱۲	۰,۸۰۱	۰,۷۸۵	**۱,۲۴۷**

با توجه به مقدار محاسبه شده برای F و خطایی کمتر از ۰,۰۱ درصد(سطح معناداری۱ درصد) یا سطح اطمینان ۹۹ درصد، در جدول(۵) می‌توان بیان کرد که از دیدگاه مهاجران افغانستانی، ادغام متغیرهای مستقل به طور معناداری قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی است.

جدول ۵. معناداری رگرسیون شاخص‌های تشخیص فرصت کارآفرینی روستایی

مدل	مجموع	درجه آزادیdf	میانگین مربعات	F	Sig
اثر رگرسیون	۳۳۱,۲۴۷	۲۴	۳۲۰,۲۳۶	۱۸۷,۲۶۹	**۰/۰۰۰
باقیمانده	۶۹,۳۴۷	۳۴۹	۱,۲۴۷		
کل	۴۰۰,۵۹۴	۳۷۳			

** معناداری در سطح ۹۹ درصد

با توجه به مقادیر تابع پیش‌بینی‌کننده شاخص‌های تشخیص فرصت کارآفرینی روستایی از نگاه مهاجران افغانستانی بالاترین مقادیر مربوط به شاخص‌های سخت‌کوشی(۰,۶۸۷)، دسترسی(۰,۶۴۷)، خلاقیت(۰,۶۲۱) و اجتماعی(۰,۶۱۱) است. همچنین کمترین مقادیر مربوط به حامی و پشتیبانی مالی(۰,۱۲۲)، سرمایه گذاری(۰,۱۴۹)، مشاغل و قوانین(۰,۲۳۷) و فرهنگی(۰,۲۴۷) می‌باشد. مقادیر همه شاخص‌های در شکل(۲) ارائه شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]

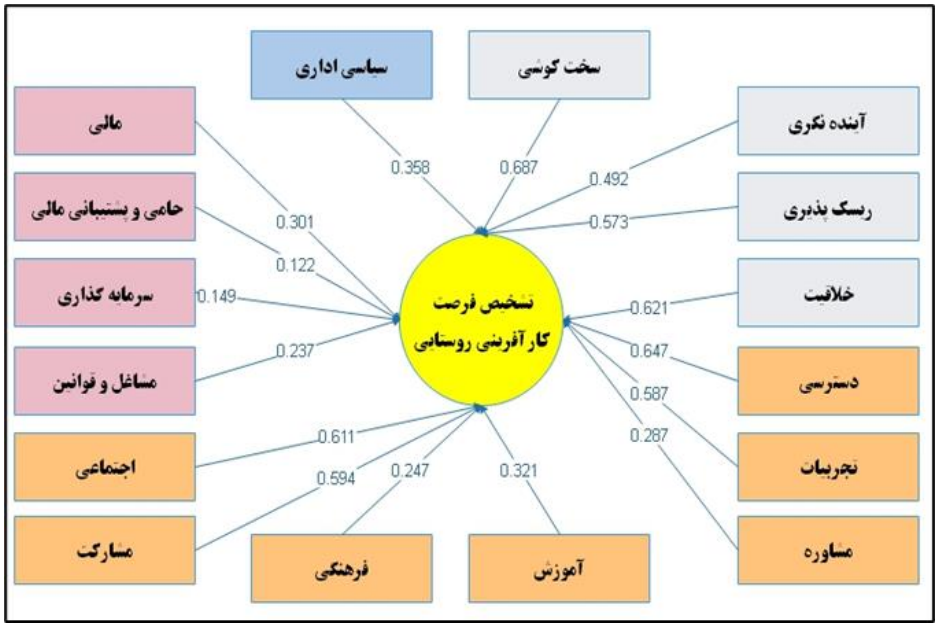

شکل ۲. مقدار تابع پیش‌بینی کننده شاخص‌های تشخیص فرصت کارآفرینی روستایی از نگاه مهاجران افغانستانی

همچنین جهت سنجش تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم شاخص‌های تشخیص فرصت کارآفرینی روستایی از نگاه زنان و مردان مهاجران افغانستانی، از تحلیل مسیر با استفاده از رگرسیون چندگانه به روش enter استفاده شد. از نگاه زنان مهاجر افغانستانی مجموع اثرات مستقیم برابر با ۱,۹۳۱می‌باشد. در بین ارتباطات غیرمستقیم شاخص شخصیتی-فردی بیشترین میزان تاثیرگذاری، معادل ۱,۹۵۱ و در مقابل شاخص سیاسی-اداری با شدت اثرگذاری کل ۰,۳۷۱ کمترین میزان تاثیرگذاری را داشته است. بیشترین ارتباط مستقیم مربوط به متغییر شخصیتی- فردی با شدت اثرگذاری ۰,۶۲۲و کمترین میزان اثرگذاری معادل ۰,۳۷۱ مربوط به شاخص اداری-سیاسی است که در شکل(۳) قابل مشاهده است.

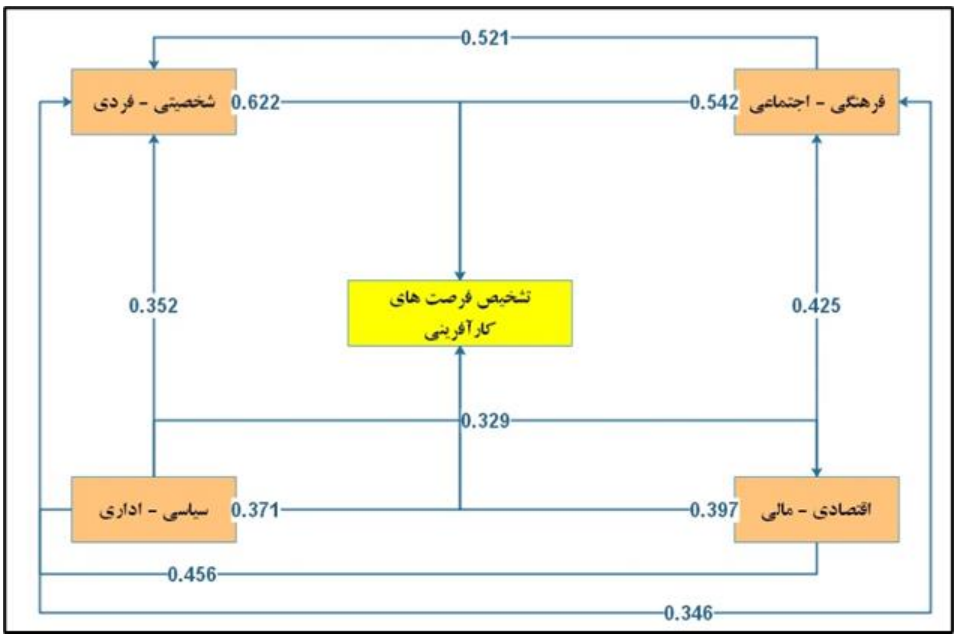

شکل ۳. نمودار مسیر اثرات علی مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای پژوهش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]

از نگاه مردان مهاجر افغانستانی در مجموع اثرات مستقیم برابر با ۱,۳۹۴ است. در بین ارتباطات غیرمستقیم شاخص شخصیتی–فردی بیشترین میزان تاثیرگذاری، معادل ۱,۸۸۷ و در مقابل شاخص اقتصادی–مالی با شدت اثرگذاری کل ۰,۴۲۴ کمترین میزان تاثیرگذاری را داشته است. با توجه به شکل(۴) بیشترین ارتباط مستقیم مربوط به متغییر شخصیتی–فردی با شدت اثرگذاری ۰,۶۸۲و کمترین میزان اثرگذاری معادل ۰,۴۲۴ مربوط به شاخص اقتصادی – مالی است.

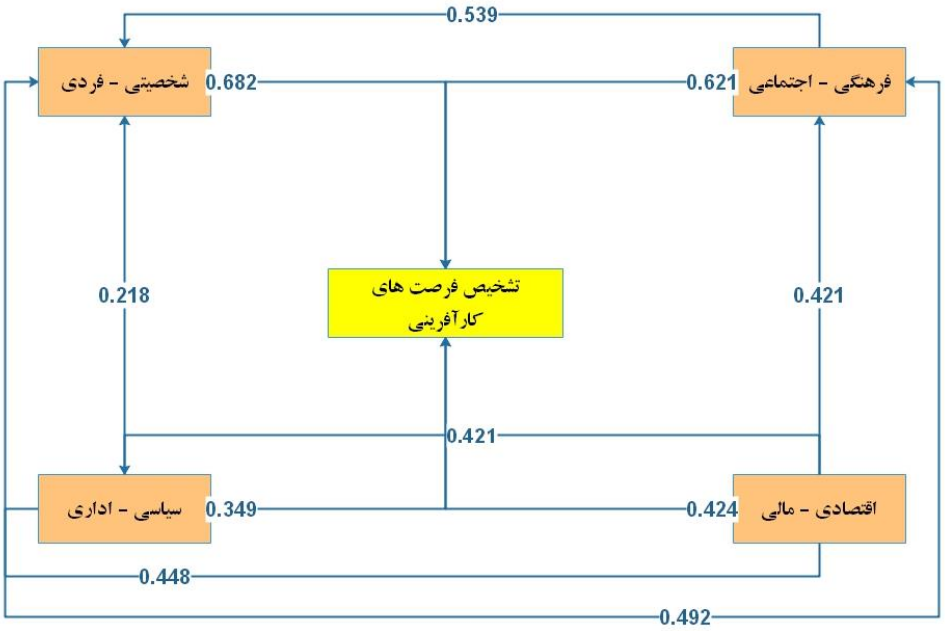

شکل ۴. نمودار مسیر اثرات علی مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای پژوهش

۵) نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در جهت تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی مهاجران افغانستانی شهرستان ورامین انجام شده است. شرط بقا در دنیای کنونی استفاده از همه منابع و ظرفیت‌های موجود است، از این رو توجه به توانایی‌ها و امکانات تولیدی در نواحی روستایی امری اجتناب ناپذیر است. در مناطق روستایی فرصت‌های مناسبی به صورت کشف نشده یا بلااستفاده موجود است که در صورت توجه به کارآفرینی می‌تواند منجر به توسعه فرصت‌های شغلی و توسعه روستایی گردد. در حال حاضر، ایران میزبان بیش از ۲/۳ میلیون نفر مهاجر افغانستانی است. بیش از نیمی از این مهاجران در استان تهران قرار دارند و تعداد زیادی از آن‌ها در شهرستان ورامین ساکن هستند. درصورت تشخیص فرصت‌های کارآفرینی توسط مهاجران افغانستانی می‌توانند موجب شکوفایی اقتصادی منطقه شوند.

برای ارزیابی تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی مهاجران افغانستانی شهرستان ورامین از چهار بعد اقتصادی-مالی، فرهنگی-اجتماعی، شخصیتی-فردی و سیاسی-اداری استفاده شد. در بعد اقتصادی-مالی از شاخص‌های مالی، حامی و پشتیبانی مالی، میزان سرمایه گذاری و مشاغل و قوانین استفاده شد. مهاجران در شاخص مالی از توانایی مالی برای راه اندازی مشاغل جدید برخوردار نیستند. در شاخص حامی و پشتیبانی مالی از هیچ یک از حمایت‌های دولتی، برخورداری از تسهیلات و اعطای وام برای راه‌اندازی کسب‌وکار برخوردار نبوده‌اند. در شاخص میزان سرمایه‌گذاری سازمان‌های دولتی و خصوصی با آن‌ها همکاری نداشته و به سرمایه و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]

اعتبارات لازم برای ایجاد فرصت‌های کارآفرینی دسترسی ندارند. در شاخص مشاغل و قوانین نیز شناخت کافی از قوانین تجارت ندارند. در بعد فرهنگی-اجتماعی از شاخص‌های اجتماعی، مشارکت، فرهنگی، آموزشی، مشاوره، تجربیات و دسترسی استفاده شد. در شاخص اجتماعی مهاجران میزان احساس تعلق کمی به محل زندگی خود دارند. در شاخص مشارکت تمایل خوبی برای فعالیت در تعاونی‌ها دارند و مایل به استفاده از ایده‌های جدید هستند. شاخص فرهنگی بیان می‌کند که آن‌ها به قوانین و مقررات تعاونی‌ها و کسب‌وکارها احترام می‌گذارند اما از سطح سواد شغلی مناسبی برخوردار نیستند. وضعیت شاخص آموزشی بیانگر دسترسی نامناسب مهاجران افغانستانی به دوره‌های آموزشی راه‌اندازی کسب‌وکار و آموزش مبتنی بر کارآفرینی است. شاخص مشاوره نشان می‌دهد که آن‌ها در هیچ یک از دوره‌های فنی و تخصصی کارآفرینی شرکت نکرده‌اند و از خدمات مشاوره‌ای بهره‌مند نشده‌اند. در شاخص تجربیات میزان برخورداری از تجربیات افراد موفق و استفاده از رسانه‌ها برای ارتقا تجارب کارآفرینی خوب ارزیابی می‌شود، اما استفاده از کارآفرینان موفق در جهت آموزش مهارت‌های کارآفرینی نامناسب است. در شاخص دسترسی میزان برخورداری از زیرساخت‌ها، دسترسی به حمل و نقل مناسب برای انتقال کالاها در وضعیت مناسبی قرار دارند. در بعد شخصیتی-فردی از شاخص‌های خلاقیت، ریسک‌پذیری، آینده‌نگری و سخت کوشی استفاده شد. در شاخص خلاقیت میزان بهره‌گیری از فرصت‌های جدید و تشخیص فرصت‌های کارآفرینی نسبتا خوب ارزیابی می‌شود. در شاخص ریسک‌پذیری مشخص شد که مهاجران افغانستانی افراد ریسک‌پذیری نبوده حاضر به سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید با وجود احتمال شکست نیستند. شاخص آینده‌نگری برای تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی در سطح پایینی قرار دارد. در شاخص سخت کوشی مهاجران افغانستانی از عملکرد مناسبی برخوردارند، آن‌ها معتقدند که با سخت کوشی می‌توان به موفقیت رسید. همچنین در بعد سیاسی-اداری مهاجران افغانستانی از سیاست‌های حمایتی دولت برای ایجاد فرصت‌های کارآفرینی برخوردار نشده‌اند. براساس یافته‌های بدست آمده در پژوهش حاضر مشخص گردید که در بعد اقتصادی-مالی شاخص مالی، در بعد فرهنگی- اجتماعی شاخص دسترسی، در بعد شخصیتی-فردی شاخص سخت کوشی مهمترین شاخص‌های اثر گذار در زمینه تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی هستند. Shane &Venkataraman (2000) عوامل موثر در کشف فرصت‌ها را داشتن اطلاعات قبلی برای شناسایی فرصت‌ها و ویژگی‌های شناختی برای شناسایی ارزش آن‌ها می‌داند.

با توجه به نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر و به منظور تحلیل و پیش بینی اثر شاخص‌های تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی مهاجران افغانستانی در شهرستان ورامین و تشخیص مولفه‌های اثرگذار از آزمون رگرسیون استفاده شد. براساس تحلیل رگرسیون مهمترین عوامل تاثیرگذار براساس اولویت شامل شاخص‌های سخت کوشی، دسترسی، خلاقیت؛ اجتماعی، مشارکت و تجربیات هستند. همانطور که بیان شد مهمترین شاخص‌های تاثیرگذار مربوط به بعد شخصیتی- فردی و سپس فرهنگی-اجتماعی است که حاکی از توانایی بالقوه مهاجران افغانستانی برای تشخیص فرصت‌های کارآفرینی است، در صورتی که سایر زمینه‌های برای آن‌ها مهیا شود. در مقایسه با علوی‌زاده و میرلطفی (۱۳۹۲) در میان عوامل موثر بر کارآفرینی، تاثیرگذارترین متغیر را عامل اقتصادی می‌دانند و حسینی‌نیا و فلاحی (۱۳۹۶)، عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی را عوامل فردی، فرهنگی، اجتماعی، زیرساختی، طبیعی و بوم شناختی، قانونی، آموزشی، نهادی، سیاسی و اقتصادی دانسته‌اند، در حالی که نتایج پژوهش حاضر تاثیرگذارترین شاخص را شاخص سخت‌کوشی، دسترسی، خلاقیت و اجتماعی می‌دانند، نتایج این تحقیق در مواردی مشابهت نشان داده و درباره تفاوت‌ها مهم‌ترین توضیح را می‌توان وضعیت ناپایدار مهاجران در کشور مقصد دانست.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]

همچنین مهمترین شاخص‌هایی که از نظر مهاجران افغانستانی مانع تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی هستند به ترتیب اولویت شامل شاخص‌های حامی و پشتیبانی مالی، سرمایه‌گذاری، مشاغل و قوانین، فرهنگی، مشاوره و مالی می‌باشند. همانطور که بیان شد شاخص‌های مربوط به بعد اقتصادی بیشترین تاثیرگذاری را دارند که ناشی از عدم توانایی مالی مهاجران برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید است و روشن است که از حمایت‌های دولتی در زمینه ارائه تسهیلات، دریافت وام، اعتبارات مالی، ارائه یارانه و خدمات بانکی برخوردار نیستند؛ این عوامل جدی‌ترین موانع برای تشخیص فرصت‌های کارآفرینی از نگاه مهاجران افغانستانی هستند.

با توجه به آزمون تحلیل مسیر فرصت‌های تشخیص کارآفرینی شناسایی و نتایج حاصل از پژوهش می‌توان راهکارهای افزایش تشخیص فرصت‌های کارآفرینی را چنین برشمرد: در بعد اقتصادی-مالی می‌توان با ارائه تسهیلات، وام‌های بانکی، تامین سرمایه‌های لازم زمینه‌های تشخیص فرصت‌های کارآفرینی روستایی را افزایش داد. در بعد فرهنگی-اجتماعی نیز افرایش مشارکت در فعالیت‌های خلاقانه و ابتکاری، افزایش سطح سواد شغلی، آشنایی با قوانین و مقررات کسب‌وکارها، شرکت در کلاس‌های آموزشی راه‌اندازی کسب‌وکار، استفاده از خدمات مشاوره‌ای، بهره‌گیری از کارآفرینان شاخص به منظور آموزش مهارت‌های کارآفرینی و دسترسی به بانک‌ها و موسسات اعتباری ارائه دهنده وام را از مهمترین راهکارهای موجود می‌دانند.

در بخش روش تحقیق نیز Goets & freshwater (2001) در مطالعات خود جهت ارزیابی اثرات کارآفرینی از متغیرهای نوآوری، سرمایه انسانی و ملی بهره جستند و در این پژوهش از متغیرهای اقتصادی-مالی، فرهنگی-اجتماعی، شخصیتی-فردی و سیاسی-اداری بهره گرفته شده است. با توجه به نتایج پژوهش و براساس یافته‌ها می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

- ایجاد فرصت‌های آموزشی مناسب برای مهاجران افغانستانی به منظور یادگیری مهارت‌های کسب‌وکار برای توسعه کارآفرینی؛
- آشنایی با قوانین و مقررات دنیای تجارت، آگاهی از بازار و راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید از طریق برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای مهاجران افغانستانی؛
- تقویت ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی از طریق جشن‌ها، گردهمایی‌ها و آیین‌ها برای تشخیص فرصت‌های کارآفرینی؛ و
- ارائه تسهیلات ویژه، وام‌های بلاعوض و دسترسی به خدمات پشتبانی مالی جهت راه‌اندازی کسب‌وکار.

۶) منابع

- آبتین، عبدالعزیز(۱۳۹۰)، **بررسی شیوه‌های نوین توسعه کارآفرینی در استان سیستان و بلوچستان**، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، ص ۷۵-۵۵.
- اکبری، کرامت الله(۱۳۸۵)، **توسعه کارافرینی(رویکرد آموزشی)**، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، تهران.
- به‌کیش، محمد مهدی(۱۳۸۰)، **اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن**، تهران، نشر نی.
- پناهی، رسول؛ وا، مرسلی(۱۳۸۵)، **بررسی نابرابری اشتغال شهری و روستایی کشور طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵**، فصلنامهٔ اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۵۶.
- ترکاشوند، زهرا(۱۳۹۲)، **استراتژی توسعه مشارکتی کارآفرینی روستایی مورد مطالعه: بخش‌های زند و سامن(شهرستان ملایر)**، فصلنامه علمی-پژوهشی و بین المللی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال دوازدهم، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۳.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]

- ترکاشوند، زهرا(۱۳۹۷)، **افزایش توان مشارکت فضایی دانش آموزان دبیرستانی با تدریس "کارآفرینی و کارگاه تولید"**، نشریه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۰۴۷-۱۰۳۳.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ عنبری، موسی(۱۳۸۳)، **تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجران افغانی**، نشریه نامه علوم اجتماعی، شهریور ۱۳۸۳، دوره ۱۱، شماره ۳(پیاپی ۲۳)، ص ۶۸-۴۳.
- حاتمی، محمدرضا(۱۳۹۹)، **سیاستگذاری مطلوب مهاجرت و حضور مهاجران افغان در ج.ا.ا**، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام، فصلنامه علمی(مقاله علمی-پژوهشی) پژوهش‌های جهان اسلام، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰، ص ۱۷-۱.
- حسینی نیا، غلامحسین؛ فلاحی، هادی(۱۳۹۶)، **عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی(نمونه موردی: مناطق روستایی شهرستان منوجان)**، نشریه پژوهش‌های روستایی، بهار ۱۳۹۶، دوره ۸، شماره ۱، صص ۳۵-۲۵.
- ذوالفقاری، فاطمه سادات؛ زمانی مزده، مهدی(۱۳۹۴)، **تشخیص فرصت، حلقه راهبردی زنجیره کارآفرینی**، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصادر در قرن ۲۱.
- رضوانی، محمدرضا(۱۳۸۳)، **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران**، تهران، نشر قومس.
- زنجانی، حبیب ا...(۱۳۹۳)، **مهاجرت**، تهران، نشر سمت.
- سازمان آمار کشور، **نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن**، ۱۳۹۵.
- سعیدی‌کیا، مهدی(۱۳۸۳)، **اصول و مبانی کارآفرینی**، چاپ هفتم، انتشارات کیا، تهران.
- سیفی، عبدالمجید؛ خالقی نژاد، مریم(۱۳۹۵)، **جهانی شدن و آثار آن بر مهاجرت نیروی کار**، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۰، شماره ۳، مهر ۱۳۹۵، ص ۱۶۲-۱۳۷.
- شاهد، سیدحسین؛ فتحی‌نیا، ابراهیم(۱۳۹۵)، **بررسی تسهیل کننده‌های توانمندسازی روستائیان در فرآیند کارآفرینی با رویکرد توسعه پایدار**، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و کارآفرینی، شهریور ۱۳۹۵.
- طباطبایی، شهناز(۱۳۸۲)، **بررسی ارتباط بین عزت نفس، کارآفرینی، سلامت عمومی و عملکرد مدیران زن وزارت کار و تامین اجتماعی**، طرح پژوهشی با نظارت واحد پژوهشی وزارت کار.
- علوی‌زاده، سید امیر محمد؛ میرلطفی، محمودرضا(۱۳۹۲)، **نقش اقتصاد غیرزراعی بر ماندگارسازی روستائیان در مناطق روستایی شهرستان سمیرم**، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی منطق‌های، دوره ۳، شماره ۱۰، شهریور ۱۳۹۲، ص ۸۲-۷۱.
- کریمی، سعید(۱۳۹۳)، **کارآفرینی روستایی: چالش‌ها و فرصت‌ها**، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳.
- کریمی‌موغاری، زهرا(۱۳۸۳)، **تأثیر مهاجرین افغان بر سطح دستمزد و اشتغال در ایران**، فصلنامهٔ پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۸، ص ۵۹.
- کشاورز قاسمی، حسین؛ نادرپور، بابک(۱۳۹۷)، **تبیین پیامدهای مهاجرت اتباع کشور افغانستان بر جامعه ایران(مطالعه موردی: شهر قزوین)**، دوره ۸، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۷، صص ۳۰۵-۲۸۹.
- مطیعی‌لنگرودی، سیدحسن؛ قدیری‌معصوم، مجتبی؛ دادورخانی، فصیله؛ یداللهی‌فارسی، جهانگیر؛ ترکاشوند، زهرا(۱۳۹۰)، **تبیین عوامل موثر بر توانمندسازی روستائیان در توسعه کارآفرینی(مطالعه موردی: بخش‌های زند و سامن شهرستان ملایر)**، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۳۸-۱۱۹.
- معاونت برنامه‌ریزی و **استانداری تهران**، ۱۳۹۰.
- مقیمی، سید محمد؛ احمدپور داریانی، محمود(۱۳۸۷)، **آموزش کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک و متوسط ایران: نیازها و راهکارها**، نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۱، شماره ۱، آذر ۱۳۸۷، ص ۴۴۵-۲۰۵.
- نجفی‌کانی، علی‌اکبر؛ حسام، مهدی؛ آشور، حدیثه(۱۳۹۴)، **سنجش وضعیت توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی(مورد: دهستان استرآباد جنوبی در شهرستان گرگان)**، نشریه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، بهار ۱۳۹۴، دوره ۴، شماره ۱(پیاپی ۱۱)، ص ۵۶-۳۷.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]

- ویسی، رضا؛ کریم‌زاده، پریسا(۱۳۹۰)، **توسعه فرهنگ کارآفرینی؛ عوامل و راهکارها(مطالعه موردی: دانشگاه پیام نور استان مازندران)**، دوفصلنامه برنامه و بودجه، شماره ۱۱۱، ص ۱۸۲-۱۵۹.
- Alison, M.(1990). **entrepreneurship: an international persectivs**, oxford, Jordan haillmlinacre house.
- Casson, M. and Wadeson, N.(2007). **The Discovery of Opportunities: Extending the Economic Theory of the Entrepreneur**, Small Business Economics,Vol. 28, No. 4, PP. 285-300 .
- Chowdhury, M.S.(2007). **Overcoming Entrepreneurship Development Constraints: the Case of Bangladesh**, Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy, Vol. 1, No. 3, PP. 240-251 .
- Dellabarca, R. (2002). **Understanding the "opportunity recognition process" in entrepreneurship, and consideration of whether serial entrepreneurs undertake opportunity recognition better than novice entrepreneurs**. MBA Dissertation. University of Cambridge .
- Goetz, Stephan J., and Freshwater, D.(2001). **State Level Determinants of Entrepreneurship And a Preliminary Measure of Entrepreneurial Climate**, Economic development Quarterly. 58: 1-14 .
- Howard, S.(2004). **Developing entrepreneurial potential in Youth: The Effects of Entrepreneurial Education and Venture Creation**. University of South Florida Repot.3-17.
- Kirzner,I. Uncertainity,(1982). **Discovery and Human Actions; A Study of the Entrepreneurial profile in the Missian System**, In Method, process and Austrian Economics. Mass, Lexington Books.
- Kline and Suzanne C.(2007). **The Role of Entrepreneurial Climate in Rura Tourism Development, Raliegh, Norrth Caroline**, a dissertation submitted to graduate faculty of North Carolina state university in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy.
- Lordkipanidze, M., Brezet, H., Backman, M.(2005). **The Entrepreneurship Factor in Sustainable Tourism Development**. Journal of Cleaner Production. 13: 787- 798.
- Maia, L.(2002). **Enhancing Entrepreneurship in Rural Tourism for sustainable Regiona Development: The Case of Sodersalatt Region Sweden**, The International Institute for Institute for Industrial Environmental Economics International Miljo Institute.
- Najarzadeh, M. & Rezvani, M.R.(2009). **Study and Analysis of Villagers, Background Knowledge on Entrepreneurship in the Process of Rural Development Case Study: South Baraan District (Isfahan County)**, Journal of Entrepreneurship Development, Vol. 1, No. 2, PP.161-182. (In Persian)
- Nyberg–Sørensen, N., Hear, N. V., & Engberg–Pedersen, P. (2002). **The migration–development nexus evidence and policy options state–of–the–art overview**. International migration, 40(5), 3-47 .
- Otto, M.(2009). **Green: challenges and opportunities for Business**, united nations climate change conference dec7-dec18.
- Saxwna, S.(2012). **Problems faced by viral enterpreneurs and remedies to solve it**, Iors journal of business and Mangement, 3(1), 23-9. doi: 10.97/482 x-0312329.
- Shane, S.,Venkataraman, S.(2000). "**The Promise of Entrepreneurship as a Field of Research**." Academy of Management Review. 25(1): 217-226.
- Torkashvand, Zahra(2019). **The Enterpeneurial Marketing Mix in Rural Women's Local and Traditional Art Business**. Research and Rural Planning 8, No.4, P. 35-48.
- UNHCR (2003). **Global Refugee Trends: Overview of refugee populations, new arrivals, durable solutions**, asylum seekers and other persons of concern to UNHCR.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1402.12.43.7.5]